

## آسیب‌شناسی ستایش‌گری اهل بیت علیهم‌السلام در نگاه مقام معظم رهبری

ایرج تبریزی\*

### زبان هنر

چنانچه بخواهیم از هنر ستایش‌گری اهل بیت علیهم‌السلام سخن بگوییم بهترین شیوه بهره‌گیری از زبان هنر است؛ زیرا کارآترین ابزار، زبان هنری است. شاید از این روست که رهبر معظم انقلاب فرموده‌اند:

هنر یک شیوه بیان است. یک شیوه ادا کردن است. تنها این شیوه بیان از هر تبیین دیگر رساتر، دقیق‌تر، نافذتر و ماندگارتر است.<sup>۱</sup>

همچنین فرموده‌اند:

بارها گفته‌ام که هر پیامی، هر دعوتی، هر تمدنی و هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود و فرقی هم بین پیام‌های حق و باطل نیست.<sup>۲</sup>

«ویل دورانت» به این مطلب به صورتی دیگر اشاره کرده، از جمله:

همه چیز مصریان از میان رفته و فقط اهرام عظیم و برافراشته از قلب ریگ و خاک بر جای مانده است. همه چیز یونان جز هنر و فلسفه آن بر باد رفته است. زیبایی جاندارتر از هر چیزی است. هنرمند است که می‌تواند این شکار گریزپای را بگیرد و در قالب هنر در بند کشد تا الی‌الابد بماند.<sup>۳</sup>

\* مدرس صدا و سیما، دانشگاه و مراکز فرهنگی.

۱. در گفت‌وگو با اعضای «سومین کنگره شعر و ادب دانشجویان سراسر کشور، جهاد دانشگاهی»، ۲۷ آذر ۱۳۶۵ ش.

۲. همان.

۳. ویل دورانت، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب خویی، آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۳۲.

و صد البته هنرمند واقعی کسی است که به جای شکست و شکایت از تنگنای میدان عمل، در همان صدف خویش مرواریدهای تابناک بیافریند. به گفته اقبال لاهوری:  
زندگی در صدف خویش گهر ساختن است

در دل شعله فرو رفتن و نگداختن است

هنر ستایش‌گری هم جدا از سایر هنرها نیست. هنرمند در جست و جوی نقش‌ها و پدیده‌های نو و ایجاد گلستان‌های تازه است؛ سرخوشی او هم در این نابسامانی‌ها و سرگردانی‌های اوست، ستایش‌گری با مرواریدهای هنری نه فقط از عهده ماشینی‌های حساب و رایانه‌ها بر نمی‌آید، بل، ماشین‌خدادادی ما، یعنی زبان نیز در توصیف هنر آفرینی‌ها نارساست. شاید از این روست که ترجمه بسیاری از آثار شعرا از جمله حافظ به انگلیسی یا فرانسوی، آن شور و حال زبان اصلی را ندارد، زیرا:

گفتن ناگفتنی‌ها مشکل است      نیست این کار زبان کار دل است

مداح یا ستایش‌گر شایسته کسی است که دقیق ببیند، دقیق بشنود، دقیق درک کند و آنچه دریافته است با چیره دستی بر زبان آورد و با بیان سحرآفرین، دل‌های مشتاق را صید کند، نه آنکه به هر شکلی و در قالب هر سخنی فقط دل‌ها را بسوزاند و به قول برخی هدفش گریه گرفتن باشد. سوگ محرابی و مرثیه خوانی برای ورود به ارزش‌های کربلاست. البته نگاه سنتی معمولاً نگاهی سوگمندانه است که خواسته‌اند عواطف را تهییج کنند، اما نگاه سیاسی، حماسی و مطمئن و عارفانه نیز به قضیه عاشورا باید در ورای آن باشد. یکی از ضعف‌ها نگاه بریده (= برشی) به حادثه کربلاست، نباید فقط گودال قتلگاه را دید و پیام امام حسین علیه السلام و زینب علیها السلام را نشنید.

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند از سه بعد یا سه دیدگاه می‌شود به نهضت حسینی نگریست:

یک بُعد، مبارزه حق در مقابل باطل مقتدر است که امام حسین علیه السلام و حرکت انقلابی و اصلاحی او چنین کرد. بُعد دوم تجسم معنویت و اخلاق در نهضت حسین بن علی علیه السلام است. در این نهضت عرصه مبارزه‌ای دیده می‌شود که غیر از جنبه اجتماعی، سیاسی و حرکت انقلابی و مبارزه علنی حق و باطل است ... بُعد سوم که بیشتر در بین مردم رایج است، فجایع، مصیبت‌ها، غصه‌ها، غم‌ها و خون دل‌های عاشوراست؛ لکن در همین صحنه سوم هم عزت و افتخار هست. کسانی که اهل نظر و فکر و تأمل‌اند باید هر سه بعد را دنبال کنند.<sup>۱</sup>

۱. یالثارات، شماره ۴۱۲، ۱۸ بهمن ۱۳۸۵ ش، ص ۶، ابعاد نهضت عظیم حسینی در طول تاریخ [از دیدگاه مقام معظم رهبری]

مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم‌السلام باید با التفات به اینها و با زبان هنر با مخاطب ارتباط برقرار کنند؛ در اثر یا آثار هر مداح نباید نشانه‌هایی از مسامحه کاری و حشو و مترادف‌های بی نقش و عبارات بی‌شیرازه باشد. درباره‌ی گزینش کلمات سخن‌های بسیار گفته‌اند. حافظ می‌گوید:

غلام آن کلماتم که آتش افروزد      نه آنکه آب سرد زند بر آتش تیز  
از جمله گفته‌اند که صفت باید مانند آذرخشی خیره‌کننده سراپای موصوف را  
نورباران کند؛ فعل نیز محور کلام است و به آن جان و جنبش می‌بخشد. گزینش  
ماهرانه فعل و وصف را زنده و زیبا می‌سازد. اگر بخواهیم زبان هنری ما توانا و بیان ما  
درست و روان باشد، باید سنجیده و بی وقفه تمرین و مطالعه کنیم.  
رهبر فرزانه انقلاب در همین زمینه می‌فرمایند:

می‌دانید که ادبیات ما امروز تا حد زیادی در گرو همین خواندن‌ها و گفتن‌هاست.  
شعرهای خوب و مایه‌های شعری مطلوب انتخاب کنید .... ما شعرای خوبی داریم،  
شما می‌توانید ادبیات فاخر فارسی را با محتواهایی که حامل همان پیام است، در  
سطح توده مردم منتشر کنید.<sup>۱</sup>

دیگر نمی‌توان به شیوه سفسطائیان مردم را فریب داد، باید طوری سخن گفت که  
خواص بیسندند و عوام بفهمند، نهج‌البلاغه به ما بسیار کمک می‌کند زیرا خود مولا  
فرمود:

ما فرمانروایان سخنییم، درخت سخنوری در ما ریشه کرده و شاخه‌ها آورده است.

به عبارتی مشغول کردن چشم و گوش مخاطبان کافی نیست، سر و کار مداح باید  
با جان و دل مخاطبان باشد و در آن نفوذ کند. هیچ چیز غیر طبیعی‌تر و بی‌مزه‌تر از آن  
نیست که مداح بخواهد مطالب مبتذل یا دروغ را با طرزی خاص و با شکوه ادا کند،  
هیچ چیز مانند این موضوع گوینده یا خواننده را حقیر و پست نشان نمی‌دهد؛ مخاطبان  
روشن ضمیر از شنیدن این قبیل مطالب که بعضاً ناشی از کم‌سوادی مداح است،  
احساس نفرت می‌کنند که چرا باید وقت خود را صرف شنیدن عبارت‌ها و حرف‌هایی  
کنند که چیزی بر آنان نمی‌افزاید و عمرشان را هدر می‌دهد.

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای درباره غلط‌ها در سه سمینار در سال‌های ۶۷، ۷۰ و ۷۱  
مطالبی سودمند و آموزنده جمعاً به مدت شش ساعت فرموده‌اند که جا دارد مداحان به

۱. سخنان رهبر معظم انقلاب خطاب به مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم‌السلام در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۶۳.ش

آن توجه کنند و زبان فارسی را کارآمد نگاه دارند، این نمی‌شود مگر آنکه مطالعه کنند، تا مطالب مفید و پرمحتوایی نباشد که در قالب الفاظ بریزند، کار، نقش ایوان است: نقش دیوار خانه‌ای تو هنوز گر همین صورتی و القابی

#### سعدی

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

حافظ شیرازی صرفاً یک هنرمند نیست، بل معارف بلندی نیز در کلمات او وجود دارد، این معارف هم فقط با هنرمند بودن به دست نمی‌آید، بل یک پشتوانه فلسفی و فکری لازم دارد.<sup>۱</sup>

یعنی حافظ اهل معرفت و مطالعه بوده است و کاربرد هر کلمه او حساب و کتابی دارد. مثلاً به این بیت از حافظ بنگرید که با چه ظرافتی کلمات را کنار هم چیده است. اینجاست که رهبر معظم انقلاب یادآور می‌شود که:

آن هزار نکته باریک‌تر ز مو که گاهی آدم‌های غیر هنرمند نمی‌توانند یک نکته‌اش را هم درک کنند، هنرمند با همان روح هنری و با آن چراغ هنر که در درون او برافروخته شده است، ظرایف و دقایق و حقایقی را ابراز می‌کند ... در واقع هنر یک موهبت الهی و یک حقیقت بسیار فاخر است ... به گمانم، از قول رومن رولان خواندم که گفته بود در یک کار هنری، یک درصد هنر، نود و نه درصد اخلاق، یا احتیاطاً این طور بگوییم، ده درصد هنر، نود درصد اخلاق، به نظر من رسید که این حرف، حرف دقیقی نیست. اگر از من سؤال کنند، من می‌گویم صد درصد هنر و صد درصد اخلاق، اینها با هم منافات ندارند. باید صد درصد کار را با خلاقیت هنری ارائه و صد درصد آن را از مضمون عالی و تعالی بخش و پیش برنده و فضیلت ساز پر کرد ... فضیلت سوزی و هتک اخلاق نکنیم ... هنر دینی آن است که بتواند معارفی را که همه ادیان - و بیش از همه دین مبین اسلام - به نشر آن در بین انسانها همت گماشته‌اند و جان‌های پاکی در راه نشر این حقایق نثار شده است، نشر بدهد، جاودانه کند و در ذهن‌ها ماندگار سازد.<sup>۲</sup>

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای برای ذاکران و مداحان شأنی ویژه قائل‌اند، ایشان انتظار دارند که مداحان پای خود را جای پای «دعبل»، «کمیت» و «سید حمیری» بگذارند. به همین لحاظ فرموده‌اند:

۱. حلقه اهل هنر، سروش، چاپ اول (تهران - ۱۳۸۰) ص ۴۷، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به هنرمندان.

۲. همان، ص ۴۹ و ۵۱.

شجره سلسله معنوی شما به «دعبل» و «کمیت» و «سید حمیری» و از این قبیل می‌رسد، همان کسانی که در سخت‌ترین دوران‌های تاریخ اسلام و پرچمی بر دوش گرفتند که هر کس آن پرچم را بر دوش می‌گرفت، سخت‌ترین شکنجه‌ها بر او اعمال می‌شد. مسئله آن بود که این اشعار حامل یک پیام و یک رسالت بود. دعبل می‌گفت که من پنجاه سال است که دار خود را بر دوش می‌کشم. اگر این پیام نبود کاری با آنها نداشتند... سید حمیری کسی است که خواندن اشعار او حتی در مجالس سه نفره و چهار نفره ممنوع بود، چرا؟ برای آنکه حامل همان پیام بود. کمیت کسی است که به جرم محبت اهل بیت علیهم‌السلام پس از سال‌ها دربدری به دست حکام بنی‌امیه مظلومانه به شهادت رسید... هیچ خلیفه‌ای در زمان دعبل نیامد مگر اینکه دعبل یک داغ باطله‌ای از شعر خود بر پیشانی او کوبید... و برای هر کدام بر یک کتیبه پاک نشدنی و محو‌نشدنی در تاریخ نقش زشتی کشید که از ده‌ها سخنرانی بالاتر بود... شما باید آن پیامی را که به مادحان اهل بیت ارزش می‌داده حفظ کنید و آن پیام عبارت است از: پیام حفظ دین حق الهی در سایه ولایت اهل بیت، مبارزه با دشمنان اهل بیت، مبارزه با دشمنان حق و مبارزه با تمام طواغیت و عصیان‌گرانی که در مقابل حق قرار دارند.<sup>۱</sup>

مداحان با ذوق می‌توانند از ادبیات و شعر این دهه از انقلاب اسلامی که بوی زندگی و عطر عاطفه دارد و از حالت فردگرایی و عمدتاً لائیک خارج است، و «من» شاعر تبدیل به «ما»، یعنی فردی اجتماعی شده بهره‌برداری کنند.

ادبیات انقلاب اسلامی در حقیقت جوانه نوظهور و نهالی نازک اندام بر پیکر ادبیات کهن و ریشه‌دار این مرز و بوم است. این نهال نوپا که تناوری و شکوه آن را از هم کنون می‌توان مجسم کرد، در آغاز راهی است که تحولی بدیع، کم نظیر و سرنوشت‌ساز برای فرهنگ ما به ارمغان خواهد آورد. این جوانه باطراوت از میان حماسه و خون پا به عرصه وجود نهاد و از عمق عزت و آزادگی ما ریشه گرفت. مداحان و ستایش‌گران اهل بیت علیهم‌السلام باید از این ادبیات در جهت تقویت مبانی دینی خود و صدور انقلاب اسلامی به جهانیان و خلق آهنگین اشعار پر طمطراق بهره‌جویند.

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای در همین زمینه مطالبی مبسوط در سخنرانی‌های خود ابراز فرموده‌اند؛ از جمله در جایی می‌فرمایند:

توقع انقلاب از هنر و هنرمند، مبتنی بر نگاه زیبا شناختی در زمینه هنر است، توقع زیادی هم نیست. ملتی در یک دفاع هشت ساله با همه وجود به میدان آمد؛

۱. بخشی از سخنان مقام معظم رهبری در مراسم دیدار با مداحان و ذاکران در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۶۶.ا.ش.

جوانان به جبهه رفتند و از فداکاری در راه ارزشی که برای آنان وجود داشت، استقبال کردند....

توقع انقلاب از هنر و هنرمند، مبتنی بر نگاه زیبا‌شناختی در زمینهٔ هنر است، توقع انقلاب از هنر و هنرمند یک توقع زورگویانه و زیاده‌خواهانه نیست، مبتنی بر همان مبانی زیبا‌شناختی هنر است. هنر آن است که زیبایی‌ها را درک کند. این زیبایی‌ها لزوماً گل و بلبل نیست، گاهی اوقات، انداختن یک نفر در آتش و تحمل آن‌ها، زیباتر از هر گلی و بلبلی است. هنرمند باید این را ببیند، درک کند و آن را با زبان هنر تبیین نماید.... آن جایی که پای حفظ ارزش‌ها و تداوم بخشیدن به آنهاست، یا صحبت از استحالهٔ ارزش‌هاست، یک خط‌کشی وجود دارد؛ شما نمی‌توانید بگویید من نه این طرف هستم، نه آن طرف، مگر می‌شود؟ این می‌شود بی‌هویتی، مگر می‌شود آدم به یک ارزش هم معتقد باشد، هم نباشد، یک ارزشی را هم پاس بدارد، هم ندارد؟ این‌جا آدم باید موضع انتخاب کند و پای آن بایستد.<sup>۱</sup>

### شعر و ادبیات انقلاب اسلامی

انقلاب حماسه‌ای جاودانی در تاریخ کشور ماست، به تبع آن ادبیات انقلاب اسلامی هم حماسهٔ خونین هفده شهریور و حماسهٔ دانش‌آموزانی است که روی نیمکت مدارس و در کنار معلمانشان در زیر رگبار گلوله و موشک دشمن جان دادند. تنها در یک مورد انگشتان پراکنده و بدن‌های تکه‌تکه شدهٔ آنان را از روی پشت بام‌ها جمع کردند. ادبیات انقلاب خون‌هایی است که بر دیوارهٔ سنگرها پاشیده شد. گورهای دسته‌جمعی است که در دزفول و سایر گلستان‌های شهدا چشم هر انسانی را می‌گریاند، حماسهٔ شهدای بی‌شمار و دست‌های جوانی است که در غرب بر ضامن نارنجک یخ زد. سفره‌های عقدی است که چیده نشده برچیده شد، گاهواره‌های تهی خانه‌های ویران، نخل‌های سوخته و بدن‌های پوست‌کنده شده از سلاح شیمیایی و در اسید گذاشته شده به قصد بهبود شهدای زجر کشیده است. اینها خمیر مایه و بخشی از ادبیات و فرهنگ انقلاب اسلامی است. کدام ذاکر و مداح دل سوخته‌ای می‌تواند از کنار این فجایع به آسانی عبور کند و خود را ملزم و متعهد به ابلاغ پیام آن نداند.

در همین زمینه رهبر فرزانهٔ انقلاب در استفاده از زبان هنر و ادبیات می‌فرمایند:

زبانی که می‌تواند پیام انقلاب را به اعماق جامعه رسوخ دهد، زبان شعر و ادبیات است، زبان هنر است..... واقعاً پنجاه سال دیگر بسیار مشکل است به آیندگان این

۱. حلقهٔ اهل هنر، ص ۵۵، ۵۸ و ۵۹.

جامعه و فرزندان ما که این روزگار را ندیده‌اند، فهماند که در روزگار انقلاب، در روزگار جنگ تحمیلی... هنگام پیروزی انقلاب، هنگام ورود امام، در این سال‌های عجیبی که هر لحظه‌اش یک حادثه است، در این کشور و در این جامعه چه گذشته است... تنها چیزی که می‌تواند این پیام را به نسل‌های بعد منتقل کند، همین شعر و هنر ادبیات است... انقلاب در قالب هنر و ادبیات، آسان‌تر و صادقانه‌تر از هر قالب دیگری قابل صدور است... و شعر و هنر، زیباترین قالب برای همه پیام‌های نوین و مایه گسترش و نفوذ این پیام‌ها تا همه جای خطه وسیع دل‌ها و جان‌های انسانی است.<sup>۱</sup>

امروزه همه شبکه‌های رادیو تلویزیونی جهانی، مجلات اغواگر، فیلم‌های بد آموز در سراسر شبانه روز با تبلیغات وسیع و شگردهای گوناگون در صدد مخدوش جلوه دادن چهره انقلاب اسلامی در جهان‌اند و به طور متوسط بیش از چهل میلیون کلمه در شبانه روز به وسیله روان‌شناسان، روان‌کاوان و مفسران خبری از خدا بی‌خبر بر ضد انقلاب سخن پراکنی می‌شود، به راستی وظیفه ما در برابر هجوم بی‌وقفه دشمن و دروغ‌پردازی‌ها و توطئه‌چینی‌های آنان چیست؟ اینجاست که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

برادران، این انقلاب دشمن دارد، دشمنان جدی هم دارد، این انقلاب در برابر آن دشمنان. روی دوش ایمان مردم قرار گرفته است و این ایمان باید عمق و صفا و جلا پیدا کند... کدام زبان از زبان، مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام)؟ این شما هستید که باید شعرهای استوار و قوی، از لحاظ معیار شعری بالا و در عین حال حامل پیام انقلاب... برای مردم بخوانید... اول چیزی که باید مورد توجه قرار گیرد، پیام انقلاب است. در مصیبت، در مدح و در اخلاقیات... چه بهتر که شعر با زبان مردمی که شما دارید و با آهنگی که درست می‌کنید... به مردم آموخته شود... امریکا را بشناسید و به مردم بشناسانید، هر صحبتی که می‌کنید و هر منبری که می‌روید و هر جا که می‌خوانید، یزید این روزگار و شمر این روزگار و بنی‌امیه و استعمارگر این روزگار را مشخص کنید.<sup>۲</sup>

شهید مطهری نیز در زمینه مطالب اخیر صحبت‌های شیوایی بیان داشته‌اند که به گوشه‌ای از آن اشاره می‌شود:

۱. هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم (تهران- ۱۳۷۲ ش، صص ۱۱،

۱۲ و ۲۰.

۲. همان، ص ۱۱۴.

..... اگر حسین بن علی امروز بود و خودش می‌گفت برای من عزادارای کنید، می‌گفت چه شعاری بدهید. آیا می‌گفت بخوانید «نوجوان اکبر من» یا می‌گفت بگویند «زینب مضطرم، الوداع، الوداع» چیزهایی که من [امام حسین] در عمرم هرگز به این جور شعارهای پست کثیف ذلت آور تن ندادم و یک کلمه از این حرف‌ها نگفتم. اگر حسین بن علی بود، می‌گفت: اگر می‌خواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و زنجیر بزنی، شعار امروز تو، باید فلسطین باشد. شمر امروز «موشه دایان» است. شمر هزار و سیصد سال پیش مُرد، شمر امروز را بشناس.<sup>۱</sup>

صلابت سخن و استواری لفظ یکی از محسنات شعر انقلاب است و زبان شاعر و اصطلاحاتی که معمولاً به کار می‌برد برای مردم مأنوس و آشناست. بی‌شک ادبیات انقلاب اسلامی صبغه و جلوه‌ اسلام خواهی دارد و عصاره‌ آن ستم ستیزی و حماسه سازی است.

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای در همین زمینه می‌فرماید:

.... درباره مفاهیم گوناگون اسلامی اشعار بسیار عالی گفته شده‌ متنها اینها زمینه‌هایی از فکر اسلامی است که جنبه‌های انقلابی و رگه‌های انقلابی ندارد.... ترجیع‌بند معروف جمال‌الدین عبدالرزاق و هاتف و برخی از شعرهای دیگر، از لحاظ هنری ممتاز است و واقعاً بعضی در حد اوج هنری است. آنچه در مقدمه نظامی یا در برخی کتب عرفانی وجود دارد یا قصاید سعدی در توحید و اخلاقیات، اینها همه مفاهیم اسلامی است، اما اینها علی‌رغم داشتن حیثیت و بعد بالای هنری، شعر انقلاب نیست. اگر چه انقلابی می‌تواند از آنها استفاده کند. اسلامی است، هنری هم هست اما انقلاب نیست.<sup>۲</sup>

مداحان انقلاب باید با زبان شاعران نوپرداز آشنا باشند و در هر فرصتی از آنان بهره گیرند. چون مقاله به درازا می‌کشد لاجرم مطلب در همین جا خاتمه یافت؛ گر چه نمونه‌هایی از اشعار نغز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم آماده شده بود.

## نتیجه

همان‌گونه که امام علیه‌السلام همچون شیر می‌گریید و همچون تیغ می‌برید، همچون باران می‌بارید و همچون خورشید گرمی می‌بخشید و همچون آینه تصویرگر

۱. پژوهش صهیونیت مولفان، مجموعه مقالات، ضیاءاندیشه (تهران-۱۳۷۶) چاپ اول، ص ۳۸۳ به نقل از شهید مطهری، حماسه حسینی، ص ۶۴.

۲. هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۱۴.



حقایق بود، کلامش به حکمت لقمان می‌مانست و در عمق و اصالت به ذوالفقار علی شباهت داشت و در قاطعیت و دشمن‌شکنی به مواعظ پیامبر شبیه بود، مداحان خاندان عصمت و طهارت نیز باید به او تاسی جویند و همچون او کلام وحی را در پرنیان سخن بپیچند و در ژرفای جان‌ها بریزند و رشته‌ی محبت بر گردن دل‌ها بیفکنند. او که با اشاراتی هزاران هزار ذبیح عاشق را تا مسلخ دوست می‌کشاند و میلیون‌ها دل را قاف تا قاف قرب راهبری می‌کرد، اینان نیز پیروان مراد باشند. بدانند که او نه تنها بت، که بت تراش را شکست و پنجه در پنجه ابرقدرت‌های ستمگر انداخت. شاعر خوش قریحه ثابت محمودی خطاب به آن بزرگمرد آسمانی چه زیبا سرود:

نباید از شب و تشویش با تو صحبت کرد

ز عقل مصلحت اندیش با تو صحبت کرد

دل از تلاوت وحی کلام تو پنداشت

که جبرئیل دمی پیش با تو صحبت کرد

گذشته افتخار‌آمیز ادبیات انقلاب اسلامی از ادبیات حماسی در جریان جنگ‌های ایران و روس گرفته تا نهضت جنگل و نهضت نفت، حماسه‌ی عرفانی قیام پانزده خرداد ۴۲ ش تا پیروزی انقلاب اسلامی، همه و همه برای مداحان و ستایش‌گران خوش ذوق پیام دارد. شاید بتوان ادبیات جهادی بر ضد تجاوز روس و تهییج و تحریک مدافعان و بیدار کردن روح حماسی مردم در جنگ‌های ایران و روس را نقطه‌ی عطف در تکوین ادبیات انقلاب اسلامی نامید. این ادبیات کما بیش در نهضت تنباکو، نهضت جنگل، قیام شهید مدرس و نیز در بخشی از نهضت ملی شدن نفت تجلیاتی داشته و سرانجام به طور مشخص در انقلاب اسلامی نمایان شده است که بازتاب‌های آن را می‌توان در موضع‌گیری‌های امام خمینی (ره) و در اعلامیه‌ها، خطابه‌ها و آثار مکتوب ایشان مشاهده کرد. شعار اصلی انقلاب را آن سردار فاتح بزرگ قلب‌ها، امام خمینی (ره) پیروزی خون بر شمشیر نامید که خود، از رایت سرخ حسین (علیه‌السلام) در محرم آموخته بود و در پیوند آن به کربلاهای تاریخ فرمود: «جنگ ما، جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست. جنگ فقر و غنا بود. جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد». بلی

رسم عاشق‌کشی و شیوهٔ شهرآشوبی

جامه‌ای بود که بر قامت او دوخته بود

بر قامت آن سردار بزرگ تاریخ و به تبع آن بر قامت هر کس که در مسیرا و در  
تعالی دین حق به هر وسیله از جمله زبان قلم، بیان، مدح و ستایش‌گری و غیره  
گام می‌زند.